



Research Paper

From self-sacrifice in the back alleys of China and Machin to championing the oppressed in the forests of Nottinghamshire: A discourse analysis of folkloric values in Samak-e Ayyar and Robin Hood

Erfan Rajabi

Assistant Professor, Department of English Language and Literature and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author)

(e.rajabi@uok.ac.ir)

Maryam Fathi

PhD student in English Language and Linguistics, Faculty of Literature, Humanities, and Social Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. (maryam.fathi69@yahoo.com)



10.22034/lda.2025.142846.1031

Received:

October, 22,
2024

Accepted:

December, 15,
2024

Available online:

January, 19,
2025

Keywords:

*Robin Hood,
Samak Ayyar,
Discourse
Analysis,
Power, Social
Resistance.*

Abstract

This study analyzes and compares two folkloric works, *Samak Ayyar* and *Robin Hood*, and demonstrates that despite the cultural and historical differences between the two stories, they share similarities in many social concepts such as power, legitimacy, justice and resistance. The primary aim of this research is to explore the existence of similar perspectives in the discourses of these two works, particularly in terms of ethics and behavior. The findings show that while these two stories originated in different social contexts, they share common values, such as resistance to oppression and the struggle for justice. However, the differences in how these concepts are reproduced in each work, especially in relation to the specific cultural contexts of each, are noteworthy.

مقاله پژوهشی

از جانشانی در کوچه پس کوچه های چین و ماچین تا مظلوم نوازی در جنگل های ناتینگهام شایر:

تحلیل گفتمان ارزش های فولکلوریک در سمک عیار و رابین هود

عرفان رجبی (نویسنده مسؤول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

(e.rajabi@uok.ac.ir)

مریم فتحی

دانشجوی دکتری زبان انگلیسی و زبان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد علوم و

تحقیقات، تهران، ایران. (maryam.fathi69@yahoo.com)



10.22034/lda.2025.142846.1031

چکیده

جستار حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به تحلیل و مقایسه دو اثر فولکلوریک سمک عیار و رابین هود پرداخته و نشان می دهد که این دو داستان با وجود تفاوت های فرهنگی و تاریخی، در بسیاری از مفاهیم اجتماعی چون قدرت، مشروعیت، عدالت و مقاومت شباهت هایی دارند. هدف اصلی این مطالعه بررسی وجود نگرش های مشابه در گفتمان های این دو اثر است، به ویژه در زمینه های اخلاقی و رفتاری. یافته ها نشان می دهند که هر چند این دو داستان در بسترهای متفاوت اجتماعی شکل گرفته اند، اما در بسیاری از ارزش ها، مانند مقاومت در برابر ظلم و مبارزه برای عدالت، تشابهاتی دارند. تفاوت های موجود در نحوه بازتولید این مفاهیم در هر اثر نیز، به ویژه در زمینه های فرهنگی خاص هر یک، قابل توجه است.

استناد: رجبی، عرفان و مریم فتحی (۱۴۰۳). «از جانشانی در کوچه پس کوچه های چین و ماچین تا مظلوم نوازی در جنگل های ناتینگهام شایر: تحلیل گفتمان ارزش های فولکلوریک در سمک عیار و رابین هود»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۲ (۳)، ۴۲-۱۹.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۳۰

واژه های کلیدی:

رابین هود، سمک عیار، تحلیل گفتمان، قدرت، مقاومت اجتماعی.

۱. مقدمه و بیان مسأله

متون فولکلوریک، فراتر از داستان‌های عامیانه، به عنوان بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی عمل می‌کنند. دو اثر برگزیده شده یعنی *سمک عیار* و *رایین هود* در مقام حکایات فولکلور و بخشی از ادبیات عامه محسوب می‌شوند و بررسی ادبیات عامه نیز بخشی از فرهنگ عامه است. از سوی دیگر، این آثار فولکلوریک روایت هم هستند و چنانچه میشل دو سرتو می‌نویسد روایات نقش مهمی در شکل‌بخشی به افکار و احساسات خوانندگان دارند (Asa Burger, 2016:65). برای نمونه، قهرمانان خلق‌شده در آثار روایی امروز شباهت زیادی به قهرمانان پیش از خود دارند (همان: ۹۵). مقاومت در برابر قدرت چه از منظر روانکاوی، چه از منظر تجارب تاریخی-سیاسی و چه از منظر بازنمایی آن در ادبیات فاخر و یا ادبیات عامه، امری فراگیر و تجربه مشترک بشری است. *سمک عیار* و *رایین هود* در مقام حکایات عامه، فرصتی در اختیار ما قرار می‌دهد تا مسأله مواجهه و جدال با قدرت (و پیروزی هر چند کوچک در برابر قدرت) را نه در چارچوب ادبیات یک ملت بلکه در چارچوب ادبیات فراملیت و چشم‌انداز جهانی‌تر بررسی کنیم. *سمک عیار* و *رایین هود*، دو نمونه از این نوع متون هستند که در زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مختلف شکل گرفته‌اند. با این حال، هر دو به‌طور مشابهی به بازنمایی مفاهیمی چون هویت، مشروعیت قدرت و مقاومت در برابر ظلم می‌پردازند. هدف اصلی این پژوهش بررسی چگونگی بازنمایی این مفاهیم در هر یک از این متون و ارزیابی این امر است که آیا این دو داستان برآمده از خاستگاه‌های فرهنگی-تاریخی-سیاسی-اقتصادی متفاوت شرق و غرب می‌توانند یک گفتمان مشترک را حوزه قدرت و مقاومت متجسم سازند. بنابراین پرسش‌های اصلی پژوهش به شرح ذیل است:

چگونه این دو روایت می‌توانند نظم‌های اجتماعی و طبقاتی را تثبیت کرده و یا به چالش بکشند؟

ارزش‌های عدالت، جوانمردی و مقاومت در این آثار چگونه بازنمایی شده‌اند؟

آیا این دو اثر، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، می‌توانند گفتمان مشترک و مشابهی در میان شرق و غرب نمایان سازند؟

بدین ترتیب جستار حاضر نشان خواهد داد که *سمک عیار* و *رایین هود*، علاوه بر اینکه محصول فرهنگ‌های خود هستند در چارچوبی فراتر، به عنوان متونی گفتمانی در شکل‌دهی و تغییر مفاهیم اجتماعی و سیاسی ایفای نقش کرده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

پیرامون داستان‌های سمک عیار و رابین‌هود تاکنون مطالعات متعددی انجام شده است؛ اما هیچ یک به طور جامع و تطبیقی به بررسی گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نپرداخته است. از جمله مطالعات موجود می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«بررسی داستان رابین‌هود اثر کارلا امن (Carola Oman) بر اساس نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو (Abraham Maslow)» به قلم سولماز مظفری و فاطمه فنواتی (۱۳۹۷) بیانگر این است که رابین‌هود این شخصیت داستانی و کهن‌الگوی فولکلوریک انگلیسی، در طی رویدادهای هیجانی موجود در سیر پیشروی داستان از سطح نیازهای طبیعی فراتر رفته و به برآوردن نیازهای انسانی ناآرام گشته و در نهایت نیز به رشد شخصیتی دست یافته است. کریس وود (Chris Wood) (۲۰۱۴) در نوشتاری با عنوان «رابین‌هود»، به توسعه تاریخی و تصویرهای مدرن ارائه‌شده از این اثر پرداخته و خاصه تعبیر قرن بیستمی واژه افسانه را بررسی می‌کند. در پایان نیز این داستان فولکلور را اثری آناکرونیستی می‌داند که به خدمت نیازهای وجودی همه نسل‌ها درآمده است. سالی اوورت (Sally Everett) (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی با عنوان «تحول، معناسازی و برساخت هویت از طریق گردشگری فولکلور» به رابطه بین توریسم و فولکلور یا همان گردشگری و فرهنگ عامه پرداخته و از این رهیافت سه موضوع قالب احساس آزادی و فرار، رفاقت و اصالت اجتماعی بین فردی و تحول در خود و برساخت هویت اجتماعی جایگزین را مورد بحث قرار داده است. جوستین پونسا (Justin Paonessa) (۲۰۱۳) نیز در اثری با عنوان «اسطوره‌ای در گداز» نخست به تعریف اسطوره پرداخته، سپس درون‌مایه داستان رابین‌هود را موشکافی کرده و در نهایت نیز از این اثر به عنوان اسطوره‌ای متعلق به تمامی اعصار یاد می‌کند.

مقاله «تحلیل نوع ادبی سمک عیار» نوشته خورشید نوروزی و پروانه دلاور (۱۳۸۶) به استناد تعریف حماسه، رمان، رمانس و قصه و از طریق برشمردن ویژگی آن‌ها، زدن برچسب حماسه و نظایر آن به این اثر را امری ناروا دانسته و آن را قصه پهلوانی-تخیلی می‌خوانند. «بحثی در باب سبک‌شناسی سمک عیار» به قلم محمد غلامرضایی (۱۳۸۹) نیز جستاری است که عناصری از قبیل نوع روایت، شخصیت اصلی، آرایه‌های ادبی و زبان داستان سمک عیار را برجسته ساخته و از این طریق تصویر روشن‌تری از نمودهای ادبی- فرهنگی و ویژگی‌های فکری جامعه وقت ایران به دست می‌دهد.

۳. چهارچوب نظری

ما فولکلور را به مثابه یک گفتمان در نظر می‌گیریم البته نه گفتمان به معنای اجرای شفاهی، بلکه به مثابه یک متن که در بافت خاصی تولید شده است و با عوامل فرامتنی خاصی معنا پیدا می‌کند. مهمتر اینکه این آثار ادبی در مقام گفتمان از نظم سیاسی-اجتماعی بزرگتری پیروی می‌کنند و یا آن را به چالش می‌کشند (Claus, 2006). گفتمان در مقام یک کل دیالکتیکی از متون و بافتهای تاریخی و فرهنگی زمان‌مند و مکان‌مند تشکیل شده است و لذا با مناسبات قدرت خاصی پیوند دارد (Shi-Xu, 2007: 9). گفتمان‌ها محل منازعات فرهنگی و بستری برای قدرت و تاریخ بوده و بنابراین متنوع و رقابتی هستند (Ibid. 3). گفتمان‌ها، شیوه‌های گوناگون بر ساخت دنیا و تأثیر بر دنیا هستند- یا بازی‌های زبانی متفاوت که دنیاهای متفاوتی از تجربه را ارائه می‌دهند (Shi-Xu, p. 9)؛ بنابراین می‌توانیم دو اثر فولکلوریک را به مثابه دو شیوه گوناگون بر ساخت افراد، ارزش‌ها، جامعه و فرهنگ بدانیم و نسبت اینها را با مناسبات قدرت و ایدئولوژی بررسی کنیم. در سطح بالاتر از توصیف و تحلیل این دو اثر، ما به مقایسه چگونگی مناسبات و پراکتیکهای قدرت، فرهنگ و سیاست و تاریخ می‌پردازیم. این دو اثر، مسأله بر ساخت اجتماعی فرهنگ، قدرت و ثروت را به خوبی نشان می‌دهند؛ اینکه چگونه گروههای اجتماعی مشخصی، ارزش‌های فرهنگی و معنا را مصادره می‌کنند تا برای خود و اعمال خود، مشروعیت بسازند و چگونه این فرآیند از سوی گروه‌های دیگر پروبلماتیزه می‌شود (Dissanayake, 2007). روایت به عنوان ژانری که به دنبال انسجام است می‌تواند دربرگیرنده گفتمان‌های متفاوت و ناهمگون باشد. بنابراین رابین هود و سمک عیار می‌توانند بستری برای تفاوت‌ها و تشابه‌های بین گفتمان شرق و غرب باشند (گفتمان شرق‌شناسانه و شرق) و دوگانه‌هایی مانند مسلمان/مسیحی؛ شرق/غرب؛ زن/مرد؛ ارباب/رعیت؛ صنعتی/کشاورزی فنودالی قابل طرح و بررسی هستند.

در این پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان رویکرد اصلی برای تحلیل آثار انتخاب شده است. این رویکرد، امکانی فراهم می‌کند تا بتوان از طریق مطالعه دقیق گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در هر اثر، نقش قدرت و هویت‌های اجتماعی را در شکل‌گیری مفاهیم عدالت و مقاومت بررسی کرد. علاوه بر آن، از روش تحلیل محتوای تطبیقی نیز برای مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در دو اثر استفاده می‌شود. روش تحقیق این پژوهش سه مرحله‌ای است: **تحلیل روایت‌شناختی**: بررسی نقش شخصیت‌ها و نحوه بازنمایی قدرت و عدالت در هر اثر؛ **تحلیل محتوای گفتمانی**: شناسایی و تحلیل واژه‌ها و مفاهیم کلیدی مانند «عدالت»، «قدرت» و «مقاومت»؛ **تحلیل بینامتنی**: مقایسه دو اثر برای پیدا کردن نقاط اشتراک و تفاوت‌های گفتمانی میان فرهنگ‌های شرق و غرب.

۴. بحث و بررسی

در این بخش از پژوهش، نویسندگان به تحلیل گفتمان و خوانش تطبیقی دو داستان سمک عیار و رابین هود می‌پردازند. این تحلیل، به بررسی ابعاد مختلف ساختاری و مفهومی این آثار از جمله خاستگاه فولکلوریک، پیرنگ، شخصیت‌پردازی و درون‌مایه می‌پردازد. هدف از این کار، این است که ابتدا تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در این دو اثر را برجسته نموده و سپس به تبیین این موضوع بپردازند که تفاوت‌ها و شباهت‌های مذکور چگونه بر بازتاب ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در هر دو متن تأثیر گذاشته‌اند.

۴-۱. معرفی پیکره پژوهش

پیکره‌های پژوهشی مورد بحث در جستار حاضر عبارت‌اند از دو اثر فولکلوریک سمک عیار و رابین هود که هر یک از فرهنگ‌های مختلف-سمک عیار از ادبیات فارسی و رابین هود از ادبیات انگلستان- نشأت گرفته‌اند؛ اما به دلیل شباهت‌های عمیق در نحوه تصویرسازی از قهرمانان و بازنمایی ارزش‌های انسانی، از سوی نگارندگان مقاله پیش رو انتخاب شده‌اند که شامل نسخه‌های منتخب از داستان‌های سمک عیار (به ویرایش عذرا جوزدانی) و رابین هود (به ترجمه و ویرایش هوارد پیل) می‌باشند. انتخاب این نسخه‌ها بر اساس اعتبار متنی و تطبیق محتوایی آن‌ها با اهداف پژوهش صورت گرفته است.

۴-۱-۱. سمک عیار

سمک عیار، داستانی است که از دوران اسلامی ایران به یادگار مانده و در آن شخصیت سمک به عنوان یک قهرمان پرداخته شده است. او نماینده‌ای از عدالت‌خواهی و فداکاری است که در مواجهه با بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌های موجود در جامعه، با استفاده از تدابیر زیرکانه به مبارزه می‌پردازد. در این داستان، ارزش‌هایی مانند همبستگی اجتماعی، انصاف و دفاع از افراد ضعیف و در معرض ستم به وضوح منعکس شده است. این قهرمان که به عنوان یک «عیار» شناخته می‌شود، نمادی از مبارزه علیه ظلم و دفاع از حقوق انسانی است.

۴-۱-۲. رابین هود

رابین هود، یکی از معروفترین شخصیت‌های فولکلوریک انگلیسی است که همچون سمک عیار، به مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی پرداخته و در پی بهبود وضعیت مردم عادی و ضعیف جامعه است. داستان‌های رابین هود نیز به طور عمده حول محور عدالت، نوع‌دوستی و قهرمانی‌هایی می‌چرخد که او برای حمایت از افراد بی‌پناه انجام می‌دهد. رابین هود از طریق دزدی از ثروتمندان و بخشیدن این ثروت به فقرا، به نماد مقاومت در برابر استبداد و دفاع از حقوق اجتماعی تبدیل شده است.

۴-۲. تناظر خاستگاه

یکی از جنبه‌های برجسته هر دو داستان، ریشه‌های مردمی و فولکلوریک آن‌ها است. این داستان‌ها در دل فرهنگ‌های مردم‌سالار و غیررسمی جوامع مختلف شکل گرفته‌اند و از این منظر می‌توانند به عنوان روایت‌هایی از پایین به بالا و دارای ریشه مردمی تلقی شوند.

۴-۲-۱. رابین هود

رابین‌هود، قهرمان فولکلور انگلیس که بیش از شش قرن، دستمایه خلق آثار هنری-ادبی از قبیل فیلم‌ها و کتاب‌ها بوده است، در سیمای یاغی‌ای از منطقه ناتینگهام شایر به تصویر کشیده شده که همواره در پی سرقت اموال ثروتمندان و داد و دهش آن به محرومان بوده است. برخی تاریخ‌شناسان، هود را شخصیتی برگرفته از اشراف‌زاده‌ای به نام «فالک فیتزوارین» (Fulk FitzWarin) می‌دانند؛ درحالی که برخی دیگر او را موجودی تخیلی می‌پندارند. گروه سوم نیز وجود دارند که بر این باورند که رابین، شخصیتی حاصل امتزاج تخیل و عناصر برگرفته از تاریخ است (زارع، ۱۳۹۸). اگرچه واقعی یا افسانه‌ای بودن این شخصیت ادبی، مدّتهاست که مورد مناقشه پژوهشگران ادبی قرار دارد؛ چیزی که مسلم است، این است که رابین‌هود مَهر «ادبیات فولکلور» یا «مردمی» بر تارک خود دارد؛ چراکه این اثر، مؤلفه‌های ویژه این نوع ادبی را به کلی داراست. منظور از ادبیات عامه یا فولکلور، داستان‌ها و یا اشعاری است که سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و آیین تمام‌نمای باورها، آیین‌ها و آداب و رسوم یک قوم است. رابین‌هود نیز از قاعده مستثنا نیست؛ چراکه توسط نویسندگانی ناشناس نگاشته شده، سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و نه داستان زندگی یک شخص، بلکه شیوه زندگی ملتی را روایت می‌کند. این داستان چنان محبوب، مشهور و پرتعداد گشته و چنان مورد استقبال عمومی واقع شده که نه تنها الهام‌بخش اقتباس‌های ادبی-سینمایی گوناگون قرار گرفته بلکه در میان ملل مختلف نیز به نماد مبارزه طلبی و دادخواهی بدل شده است. در برخی از نسخه‌های برگرفته از این جریان، ابعاد زندگی مبارزاتی هود برجسته شده و در دیگر اقتباس‌ها بیشتر به زندگی خانوادگی و عاشقانه او توجه شده است؛ اما در خلال هر دو نوع اقتباس، وضعیت زندگی مردم جامعه وقت انگلستان به‌روشنی نمود می‌یابد.

باید توجه داشت که جلوه‌های ادبیات و فرهنگ عامه، نظیر اشاره به پوشش مردم، غذاهای رایج محلی، موسیقی، آداب و رسوم، باورهای عامه، شیوه مهمان‌نوازی، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی و کاربست ضرب‌المثل‌های بومی در داستان رابین‌هود چنان زیاد است که بررسی و تحلیل آن بدون شک نیازمند دست‌کم یک مجلد بوده و از مجال جستار کنونی

خارج است. از همین رو نویسندگان پژوهش حاضر، در ذیل صرفاً به ذکر موردی تعدادی از آن‌ها که به اثبات ذات فولکلوریک این اثر می‌پردازد، بسنده کرده‌اند.

۴-۲-۱- جلوه‌های فرهنگ و ادبیات عامه در داستان *رابین‌هود*

الف) کاربست ضرب‌المثل

جواب‌های، هوی است (اکبرلو، ۱۳۹۶: ۲۰)

برادر خشن نباش. مگر امروز برای صبحانه سرکه و تیغ خورده‌ای؟ (همان: ۸۴)

ب) رسم مهمان‌نوازی

امشب هزینه این ضیافت را من می‌دهم، هیچ‌کس نباید دست در جیبش کند (همان، ۳۳)

پ) رعایت جوانمردی و انصاف در مبارزه

سلاحات را بردار؛ زیرا با مرد بدون سلاح مبارزه نمی‌کنم (همان: ۴۰)

ت) اشاره به ضد ارزش بودن آراستگی و زینت مردان

رابین از ته دل خندید و گفت: تا حالا مردی به این خوشگلی دیده بودی؟ (همان: ۴۳)

ث) ضد ارزش بودن ابراز احساسات از سوی مردان

کمان را کنار بگذار و اشک‌هایت را پاک کن. دوست ندارم ببینم مرد قوی مثل تو مانند بچه‌ها گریه می‌کند (همان: ۵۲)

رابین از دیدن لباس ابریشمی اسقف و زنجیر طلایی‌اش عصبانی شد. با خود گفت: یکی از مردان خدا نباید چنین لباسی بپوشد و از چنین جواهراتی استفاده کند (همان: ۶۸)

ج) موسیقی مردمی

او بلند شد. چنگش را برداشت. روحیه‌اش آن‌قدر خوب شده بود که توانست ساعت‌ها بخواند و چنگ بنوازد (همان: ۵۸)

چ) مذموم بودن سرزده به‌جایی رفتن

به نظرم خیلی راحت وارد جایی می‌شوی که دعوت نشده‌ای (همان: ۶۰)

ح) رسم دعا کردن

خداوند ما را از شر این مرد در امان نگاه دارد

برایش دعا می‌کنم اما دیگر با او کاری ندارم (همان: ۷۱-۷۰)

خ) مرسوم بودن قسم خوردن و ارج‌گذاری به وفای به عهد

قسم خورده بودم این زوج عاشق را به هم برسانم. این قولی است که به تو داده بودم و به آن عمل کردم (همان: ۷۱)

می‌شود کلاهتان را از صورتتان کنار بزنید؟ دلم می‌خواهد صورت شما را ببینم.
نه. نمی‌شود کنار بزنم. من و هفت همراهم قسم خورده‌ایم تا بیست‌وچهار ساعت صورتمان را کسی نبیند.

پس راحت باشید و بپوشانید. من مجبورتان نمی‌کنم عهد خود را بشکنید (همان: ۱۰۰)

د) رواج باج دادن و رشوه‌خواری

فقط در ازای باج زیادی که معادل ۶۰۰ پوند طلا بود توانستم از زندان رفتن پسرم جلوگیری کنم (همان: ۷۶)

ذ) باور به ملک‌الموت

شاید اشتباه می‌کنم اما نگرانم مبدا شیطان تو را فرستاده که جانم را بگیری؟ (همان: ۸۴)

ر) توصیف لباس و جواهرات رایج وقت انگلستان

پشت سر شوالیه‌های پرافتخار، بزرگ‌ترین اشراف‌زادگان آن منطقه بودند با ردهایی ابریشمی و طلایی و با زنجیرهای طلایی دور گردن (همان: ۹۶)

ز) نام بردن از غذاهای رایج وقت انگلستان

غذا آوردند. گوشت تازه گوزن و نان خوشمزه. تا توانستند خوردند (همان: ۳۵).

۴-۲-۲. سمک عیار

ذبیح‌الله در مجلد دوم اثر پنج‌جلدی خود با نام *تاریخ ادبیات ایران* در پنج صفحه به بررسی همه‌جانبه داستان سمک عیار پرداخته است. توضیحات نگاشته شده توسط وی به گونه‌ای است که از همان ابتدا فولکلور بودن این اثر را به ذهن خواننده القا می‌کند؛ چراکه چنین اذعان می‌دارد که داستان سمک عیار از جمله داستان‌های رایج وقت ایران بوده که زبان به زبان از قول قصه‌گوها برای مردم روایت می‌شده است. به نقل از وی، جمع‌کننده حکایات سمک عیار فردی به نام خداداد بن عبدالله الکاتب الارجانی است که به‌نوبه خود داستان را به نقل از صدقه ابوالقاسم روایت کرده و بنابراین خود، مؤلف آن نبوده است. وی همچنین معتقد است که سمک عیار این مزیت را داراست که به نمایش زبان عمومی و مورد تکلم عهد خود پرداخت؛ چراکه این اثر توسط نقال‌ها و برای مردم روایت می‌شده است. بنابراین، علاوه بر مردمی و سهل‌الفهم بودن، اطلاعات بسیاری در خصوص شیوه رایج زندگی مردم ایران پیش از حمله مغولان به دست می‌دهد. مورد دیگری نیز که در کتاب ذبیح‌الله به چشم می‌خورد و می‌توان از آن در اثبات فولکلور بودن داستان سمک عیار سود جست، اشارات وی به دیگر اشخاص موجود در اثر است که به‌تمامی دارای نام‌های اصیل ایرانی از قبیل فرخ‌روز، کاوه، مه‌پری، مهران و هرمزکیل و نظایر آن‌ها هستند که به‌روشنی گویای این امر است که سمک عیار نه داستان زندگی یک شخص بلکه حکایت معیشت ملتی

سترگ است. در این بخش نیز همچون بخش پیشین نموده‌ای ادبیات و فرهنگ‌عامه در داستان سمک عیار به‌صورت موردی بیان شده است.

۴-۲-۱. جلوه‌های ادبیات و فرهنگ‌عامه در داستان سمک عیار

(الف) اعتقاد به طالع‌بینی

اسطربلاب فلک نمای خود را در دست گرفت و در مقابل خورشید ایستاد. مدت‌زمانی طولانی و با دقت تمام به اسطربلاب نگاه کرد و سرانجام در طالع پادشاه فرزندی دید (جوزدانی، ۱۳۹۸: ۱۰)

(ب) موسیقی مردمی

از استادانی دعوت کرد که بیایند و نواختن چنگ و دف و نی و بربط و انواع سازها را به او بیاموزند (همان: ۲۰)

(پ) رواج قسم خوردن

سوگند بخورید که با او دشمنی نکنید و برای مخالفت با او دست‌به‌کاری نکنید. سخن‌چینی او را نکنید و با دوستان او دوست و با دشمنانش دشمن باشید. همه شاهزادگان سوگند خوردند (همان: ۸۸)

(ت) ارج‌گذاری به نگه‌داشتن حرمت فرد نامحرم و ناموس‌پرستی

سمک گفت: ای دختر! خداوند را شاهد می‌گیری که مرا به برادری خود قبول کنی؟ دختر گفت: خداوند شاهد است که تو را به برادری خود قبول می‌کنم. سمک دست او را گرفت و به بالای بام برد (همان: ۹۷)

من برای چه باید دختر شما را بدزدم؟ شاید گمان می‌کنید من به دنبال عملی خلاف آیینم؟ دختر شما را از دست یک مشیت عیار و اوباش نجات داده‌ام تا نام شما لکه‌دار نشود، آن‌وقت شما با من این‌گونه رفتار می‌کنید؟ (همان: ۱۰۲)

سمک، از خواهرم مه‌پری بسیار شنیده‌ام که تو در جوانمردی و رازداری بی‌همتایی. اگر مرا به دوستی و خواهری خود قبول کنی، رازی دارم که می‌خواهم به تو بگویم. سمک گفت: قبول می‌کنم و به یزدان سوگند می‌خورم که راز تو را به کسی نگویم (همان: ۲۲۲-۲۲۳)

دختری که به عقد خورشید شاه درآمده اگر حوری بهشتی نیز باشد، اکنون همسر اوست و دیگر شایسته نیست دنبال او برویم (همان: ۲۲۷)

(ث) کاریست ضرب‌المثل

من برای خودم نمی‌ترسم. بادمجان تخمه‌ای آفت ندارد (همان: ۱۶۷)

قزل ملک هنگامی که کانون را دید گفت: ای کانون شیر آمدی یا روباه؟ (همان: ۱۸۶)

دست بالای دست بسیار است (همان: ۱۹۸)

ج) رسم مهمان‌نوازی

سمک را بر دوش گرفت و به خانه برد. زن وقتی آن‌ها را دید گفت: مهرویه این کیست؟ مهرویه گفت: این جوان زخمی است و جراحات بسیاری برداشته است. می‌خواهم معالجه‌اش کنم تا خداوند او را شفا دهد و بر من رحم آورد. سامانه گفت: چه کاری از این بهتر؟ ای کاش همه کارهای تو مانند این، نیک بود (همان: ۱۰۸)

چ) نام بردن از خوراک رایج وقت

زن، برخیز و قدری آبگوشت به او بده تا بخورد. سامانه گفت: کبوتر بچه برایش بهتر است. نیروی ازدست‌رفته را به تن او بازمی‌گرداند (همان: ۱۱۰)

مادر رفت و طبقی نان آورد. قدری گوشت بریان با شیرینی و ترشی نیز آورد و پیش او گذاشت (همان ۱۴۷)

مرد گفت: عسل و روغن. سمک گفت: گندم و جو کاه نمی‌آورید؟ (همان: ۲۴۳-۲۴۲)

ح) ارج گذاری به وفای به عهد و امانت‌داری

ای مرد اکنون به تو پناه آوردم جوانمردی کن و راز مرا نگاهدار. زنند گفت: ای جوانمرد! به یزدان دادار کردگار سوگند می‌خورم که راز تو را نگاهدارم و به کسی نگویم. سمک از آستین جامه‌اش بازوبندی گوه‌رنگار به ارزش هزار دینار بیرون آورد و آن را به دست زنند داد و گفت: این را بگیر و به امانت نگاهدار زیرا از آن من نیست و باید آن را به شغال پیل زور بازگردانم (همان: ۱۱۱-۱۱۰)

به خاطر صد یا هزار چوب که می‌خوری مردانگی‌ات را نباید فدا کنی. اگر با ضربات چوب‌های آن‌ها بمیری بهتر از آن است که خیانت کنی، به خصوص به مردی مانند سمک (همان: ۱۱۵)

خ) اعتقاد به خداوند و روزی‌رسان بودن او

شغال گفت: فرزندم، خداوندی که ما را از چندین و چند محنت نجات داد، به ما روزی هم می‌رساند؛ بی‌آنکه ما از آن باخبر باشیم (همان: ۱۲۲)

یزدان کارساز است (همان: ۱۶۲)

دل سمک می‌تپید اما پیش می‌رفت و نام یزدان را بر زبان می‌آورد. ناگهان بادی خوش از خزانه کرم الهی وزیدن گرفت (همان: ۲۵۴)

د) اعتقاد به خواب و تعبیر خواب

استاد، در خواب دیدم که همگی در مرغزاری خوش و خرم نشسته بودیم و چهارصد گوسفند چاق و فربه در اطراف ما می‌گشتند. ناگهان ازدهایی قصد جان ما کرد و پیش آمد. شغال گفت: سمک تعبیر خواب تو این است که گرفتار بلایی بزرگ خواهیم شد (همان: ۱۲۳)

(ذ) تسلیم بودن در برابر مشیت الهی

اگر خداوند بخواهد که من زنده بمانم همه آدمیان این جهان هم نمی‌توانند برای کشتن من کاری از پیش برند (همان: ۱۲۴)

(ر) اعتقاد به پس دادن تاوان خون بی‌گناه

فغفور اندوهگین شد و با خود گفت: این مصیبت به خاطر خون عیارانی است که به‌ناحق بر زمین ریختیم (همان: ۱۳۰)

همه جهان به آن نمی‌ارزد که با یکدیگر دشمنی بورزیم و خون خلق را بر زمین بریزیم. اگر غیر از این کنید، باید برای جنگ آماده شوید و بدانید که خون چندین هزار تن بر گردن شما خواهد بود و پاسخگوی خداوند نیز شما خواهید بود (همان: ۱۹۱)

(ز) ارزش نهادن به حرف‌شنوی فرزندان از پدر

تو بر گردن دخترت حق‌داری، نه او بر گردن تو. او باید از تو اطاعت کند، نه تو از او. این ننگ است برای تو که دخترت از تو اطاعت نمی‌کند (همان: ۱۳۶)

(ژ) رسم مزدگانی دادن و گرفتن

گفت: ملکه مژده بدهید که سمک عیار آمده است (همان: ۱۶۶)
از پیش ارمنشاه آمده‌ام و برای سپه‌سالار مزدگانی آورده‌ام. یک مطرب و یک کنیز (همان: ۲۱۴)

(س) رواج باج دادن و رشوه‌خواری

دیگر آنکه زر بسیار خرج کند، زیرا تا هنگامی که زر خرج نکنند، به مراد خود نمی‌رسد. هر کاری که مردان عالم از انجام آن عاجزند، با خرج کردن زر انجام می‌شود و این زر است که بسیاری از کارها را پیش می‌برد (همان: ۲۰۱)

(ش) باور به اجل و ملک‌الموت

من نمی‌ترسم زیرا تا اجل کسی فرا نرسیده باشد، اگر صد هزار دشمن نیز قصد هلاک او را داشته باشند نخواهند توانست به او آسیبی برسانند (همان: ۲۱۳)
من ملک‌الموتم. بگو خانه مهران وزیر کجاست؟ اگر راست بگویی به تو آسیبی نمی‌رسانم. پاسبان گفت: تو چه ملک‌الموتی هستی که خانه مهران وزیر را نمی‌دانی؟ (همان: ۲۲۴)

۴-۳. تناظر پیرنگ

در دو داستان سمک عیار و رابین‌هود، ساختار روایی به گونه‌ای است که قهرمانان با چالش‌های مختلفی مواجه می‌شوند و هر یک با استفاده از هوش و شجاعت و مهارت‌های خاص خود به حل مسائل می‌پردازند. این دو قهرمان، در راستای حل مسائل دیگران به گونه‌ای

تلاش می‌کنند که گویا جز کوشش برای برآورد حاجات دیگران، هدف دیگری ندارند. در حقیقت با خوانش دقیق هر دو اثر نام‌برده می‌توان چنین گفت که گویا هود و سمک، نماد دو قهرمان و مبارز دلسوز هستند که در راه درستی و عدالت‌خواهی از چیزی دریغ نداشته و بی‌باکانه به جنگ با ظالم و ستاندن حق مظلوم می‌شتابند. نوع دوستی و خیرخواهی این دو قهرمان، رفته‌رفته به گونه‌ای نمود می‌یابد که گویی خود نه دغدغه‌ای داشته و نه چیزی را برای خود می‌خواهند. بلکه هر چه بدیشان می‌رسد به دلیل خیرخواهی برای غیر است. آنچه در ادامه خواهد آمد تنها چند نمونه از انبوه جان‌فشانی‌های این دو قهرمان است. درواقع، پیرنگ این دو اثر را می‌توان متشکل از حوادث و مشقّتی دانست که هود و سمک به سبب کمک به دیگری متحمل می‌شوند، نه برای منفعت‌طلبی یا برآوردن نیازهای شخصی خود.

۴-۳-۱. رابین‌هود

پیرنگ داستان رابین‌هود را می‌توان بدین گونه نگاشت که در غیاب شاه ریچارد، برادرش جان بر مسند حکومت می‌نشیند و از مردم مالیات‌های سنگینی طلب می‌کند. هود از دادن خراج، امتناع کرده و برای در امان ماندن به جنگل شروود می‌رود. پس از مدّتی با اتکا به پتانسیل رهبری خویش و کمک یارانش با استفاده از راهبرد دزدی از اموال ثروتمندان و بخشش آن به تهیدستان به مقابله و رویارویی با ظلم پرداخته و در نهایت نیز با کمک فراوان به شاه ریچارد، سلطنت انگلستان را به وی بازمی‌گرداند و دارای نام و اعتبار و محبوبیت صدچندان می‌شود.

۴-۳-۱-۱. کمک رابین‌هود به آلن دیل برای رسیدن به دختر موردعلاقه‌اش:

«کشاورز وقتی فهمید دخترش می‌خواهد با آلن دیل ازدواج کند بسیار عصبانی شد. او قول ازدواج دخترش را به سر استغاف داده بود که شوالیه‌ای پیر و اهل ترنت بود؛ اما دختر نمی‌خواست با آن شوالیه پیر ازدواج کند. [...] رابین پرسید: مطمئنی می‌خواهند ازدواج کنند؟ آلن با ناله گفت: خودش نمی‌خواهد ولی هر چه پدرش بگوید انجام می‌دهد. رابین کمی فکر کرد و بعد چشم‌هایش برق زدند و گفت: نقشه‌ای دارم. بعد رو به آلن گفت: بگو ببینم. مطمئنی اگر از پدر دختر اجازه بگیریم و او را پیش یک کشیش بیاوریم حاضر است با تو ازدواج کند؟ آلن گفت البته که ازدواج می‌کند. رابین گفت پس نقشه‌ام جواب می‌دهد. ما فقط یک کشیش لازم داریم. البته این اطراف کشیشی را نمی‌شناسم که از من خوشش بیاید. اسکارلت گفت: من کشیشی می‌شناسم که حاضر به این عقد باشد. خیلی از اینجا دور نیست. رابین گفت: آلن نگران نباش. فردا به دیدن کشیش می‌رویم. آلن دیل اشک‌هایش را پاک کرد و به یاد داستان‌هایی افتاد که از کمک‌های رابین‌هود به مردم شنیده بود و باور کرد این بار چنین اتفاقی برای خودش می‌افتد (اکبرلو، ۱۳۸۶: ۵۸)».

۴-۳-۱-۲. پرداخت بدهی شوالیه غمگین از سوی او:

«شوالیه گفت: پسری دارم که مثل من شوالیه است. پارسال او در مسابقه شوالیه‌ها شرکت کرد و تمام رقیبانش را از اسب به زمین انداخت. سرانجام با شوالیه بزرگی به نام سر والتر، اهل لنکستر، مبارزه کرد. پسر من سر والتر را هم از اسب انداخت؛ اما نوک نیزه از کلاه‌خود سر والتر گشت و به گوشه چشم او فرورفت. سر والتر بر اثر این جراحت درگذشت. خانواده سر والتر دوستان زیادی در دادگاه داشتند. فقط در ازای باج زیادی که معدل ششصد پوند طلا بود توانستم از زندان رفتن پسر من جلوگیری کنم؛ اما از آنجایی که این مبلغ را نداشتم زمین‌هایم را پیش فرمانده امت گرو گذاشتم و او زمین‌هایم را ارزان از چنگم درآورد. رابین پرسید: بدهیات چقدر است؟ شوالیه گفت: چهارصد پوند. ویل اسکارلت با تعجب گفت: فقط چهارصد پوند؟ دوستی نداری که به تو کمک کند؟ شوالیه گفت: وقتی ثروتمند بودم دوستان زیادی داشتم که به من ابراز محبت می‌کردند اما حالا نمی‌توانم آن‌ها را پیدا کنم. رابین گفت: می‌گویی هیچ دوستی نداری. تظاهر نمی‌کنم اما واقعاً می‌خواهم کمکات کنم (همان: ۷۶)».

گواه این ادعاست که رابین هود به تمامی، زندگی خود را وقف رسیدگی به امور دیگران کرده است.

۴-۳-۲. سمک عیار

اگرچه با دقیق شدن در متن داستان می‌توان پیرنگ‌های فرعی دیگری نیز در آن یافت. با این حال پیرنگ اصلی این اثر را می‌توان بدین صورت بیان کرد که مرزبان شاه، پادشاه حلب با گلنار، دختر پادشاه عراق ازدواج کرده و از او صاحب فرزند پسری به نام خورشید شاه می‌شود. چندین سال زمان می‌گذرد و خورشیدشاه که اکنون جوان دلربایی است برای شکار به خارج دربار می‌رود و پس از دنبال کردن گوری چشمش به مه‌پری، فرزند فغفور، پادشاه چین می‌افتد. وظیفه سرپرستی و اداره امور مه‌پری را دایه‌اش، شروانه که جادوگر نیز هست، عهده‌دار است و از آنجا که مه‌پری را برای پسر خود در نظر دارد، هر کدام از خواستگاران او را به طریقی دست‌به‌سر و سربه‌نیست می‌کند. خورشیدشاه نیز استثنا نیست. او هم همچون دیگران مورد بی‌مهری شروانه قرار می‌گیرد. در نهایت نیز با کمک‌ها و رشادت‌های مثال‌زدنی عیار دلیری به نام سمک موفق به شکست شروانه و به دست آوردن مه‌پری می‌شود. دلاوری‌های سمک بدین حد محدود و منحصر نمی‌شود. کردار شجاعانه او به گونه‌ای است که گویی هرجایی که اثری از ظلم وجود دارد و درمانده‌ای نیازمند همراهی است، وی آماده است تا به یاری او و ستاندن حقش از ظالم بشتابد.

۴-۳-۲-۱. کمک‌های دلیرانه سمک به خورشید شاه برای ازدواج با مه‌پری

«شغال گفت: فرزند، این کاری بسیار دشوار است. باد هم زهره آن ندارد که در اطراف سرای آن دختر بوزد، بس که از دایه جادوگر او می‌ترسند. اگر کاری بود که با مال، قدرت، حيله یا عیاری انجام می‌گرفت، می‌توانستم تدبیری بیاندیشم؛ اما حتی پرنده‌گان هم

می‌ترسند که بر فراز سرای آن دختر پرواز کنند. شاهزاده آزرده‌خاطر و اندوهگین شد و سربه‌زیر انداخت. سمک که دلش به رحم آمده بود پیش آمد و گفت: استاد، شاهزاده را ناامید نکنید. به او امید دهید که اگر ناامید نبود نزد ما نمی‌آمد. شغال گفت: مردانگی آن است که راست بگوییم و عهدی ببندیم که از عهده انجام آن برمی‌آییم. سمک گفت: استاد، من راه چاره‌ای می‌دانم (جوزدانی، ۱۳۹۸: ۶۸)».

۴-۳-۲. کمک به آتشک برای رسیدن به وصال آبان دخت

«سمک که از سخنان آتشک در شگفت مانده بود با خود گفت: این دیگر چه محنتی است که هر که نزد من می‌آید دل درگرو کسی دارد؟ سنگ این بنا را اولین بار خورشیدشاه گذاشت. سپس به آتشک گفت: ای آتشک! با من پیمان ببند و سوگند بخور که از یاران من باشی و هرچه بگویم بکنی و راز مرا نگاه‌داری و به من خیانت نکنی و عهدم را نشکنی تا من آبان‌دخت را بی‌مزد و منت نزد تو بیاورم و تو می‌دانی که این کار بیش از آنکه به دست مقور ساخته باشد از دست من ساخته است (همان: ۱۵۷)».

نیز تنها دو مثال از میان انبوه مثال‌هایی که می‌توان در خصوص رجحان نیاز دیگران به نیاز خود در داستان سمک عیار یافت.

۴-۴. تناظر درون‌مایه

هر دو داستان سمک عیار و رابین‌هود بر ارزش‌های اخلاقی‌ای همچون عدالت، عیاری، فداکاری، دادخواهی، مبارزه با ظالم به نفع مظلوم و نوع‌دوستی تأکید می‌ورزند. این درون‌مایه مشترک، نشانگر آن است که علی‌رغم وجود تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی، دغدغه‌های انسانی و ارزش‌های اخلاقی مشترکی در میان جوامع مختلف وجود دارد که در قالب داستان‌های فولکلوریک به تصویر کشیده خواهد شد.

۴-۴-۱. رابین‌هود

در رابین‌هود، رویدادها از زاویه دید سوم شخص (دانای کل) بیان می‌شوند و هم این راوی است که به شیوه‌ایی داستان را در مسیر خود به‌پیش می‌برد که ناخودآگاه خواننده را به سمت تحسین فضایل و نکوهش رذایل اخلاقی نظیر نوع‌دوستی، محروم‌نوازی، ایثار، گذشت و فداکاری و همچنین مبارزه با بیدادگری و ظلم را سوق می‌دهد. رابین‌هود، قهرمان داستان، چنان خود را غرق اشتغال به اصول پیش‌گفته کرده است که گویی خود را به‌کلی فراموش کرده است. تمامی اعمال وی نظیر نجات ویل استوتلی، حل کردن مشکل آلن دیل، کمک کردن به شوالیه غمگین، مبارزه و مقابله با داروغه ناتینگهام و چپاول اموال کشیش و سپس اعطای آن‌ها به نیازمندی چون سرریچارد، همگی جلوه‌هایی از دادگری هود و پایداری‌اش در راه ظلم‌ستیزی و دادخواهی است.

۴-۴-۲. سمک عیار

سمک عیار نیز همچون رابین هود از شیوه روایتگری سوم شخص (دانای کل) بهره گرفته است. درون‌مایه این داستان نیز همچون اثر پیشین، تداعی گر عیاری و دادگری است؛ چراکه سمک نیز چونان رابین هود در هیأت قهرمانی به تصویر کشیده شده است که اعمال تهوآمیزی به قصد کمک‌رسانی به افراد دیگر انجام می‌دهد. در واقع، سبک زندگی وی چنان با این خصیصه عجین شده است که گویی خود را به کلی فراموش کرده و فداکاری مداوم و بدون غایت را سرلوحه زندگی خویش قرار داده است. متحمل شدن رنج و مشقت فراوان از جانب وی و تا پای مرگ رفتنش برای وصل خورشید شاه و مه پری، کشتن شروانه و پسر کانون، مبارزه با مهران و مقوقر، کمک به آتشک برای رسیدن به وصال آبان دخت، سرقت اموال زرگر ظالم و دهش آن به مهرویه و نظایر آن همگی دال بر مظلوم‌نوازی و دادخواهی وی از ستمگر به نفع فرد ستم‌دیده است.

۴-۵. تناظر شخصیت‌پردازی قهرمان

شخصیت‌پردازی در هر دو داستان رابین هود و سمک عیار به گونه‌ای است که نه تنها قهرمانان هر دو اثر را در فرهنگ‌های خود به نماد عدالت‌خواهی و فداکاری بلکه به قهرمانانی محبوب و مورد احترام تبدیل کرده است. نکته قابل توجه در خصوص شیوه شخصیت‌پردازی قهرمانان این دو اثر ادبی، این است که رابین و سمک، نه در سیمای شخصیت‌های مطلق سیاه و یا سفید بلکه در هیأت شخصیت‌های خاکستری، شبه‌واقعی و غیر کلیشه‌ای ظاهر خواهند شد:

۴-۵-۱. رابین هود

علاوه بر تناظر خاستگاه، پیرنگ و درون‌مایه، تناظر شخصیت قهرمانان هر دو داستان نیز مورد دیگری است که می‌توان آن را مطالعه کرد. منظور از شخصیت، اشخاصی هستند که در داستان توسط نویسنده خلق و پرداخته شده‌اند. ابرامز نیز شخصیت را افراد موجود در اثری روایی می‌داند که واجد ویژگی‌های اخلاقی هستند که نمودشان در گفتار و رفتار این اشخاص بارز است. شخصیت‌ها انواع نیز دارند و عمدتاً به شخصیت‌های گاه صاف و ساده، گاه پیچیده و شگفت‌انگیز و گاه کلیشه‌ای تقسیم‌بندی می‌شوند (بابایی، ۱۳۸۶: ۵۴).

هر چه از آثار ادبی زمان معاصر به سمت آثار گذشته به پیش می‌رویم، از میزان پیچیدگی شخصیت‌های ادبی مخلوق کاسته شده و بر میزان کلیشه‌ای بودنشان افزوده می‌شود به گونه‌ای که آنچه از شخصیت‌پردازی در داستان‌های اولیه مشاهده می‌کنیم چیزی فراتر از کلیشه فرشته-دیو نیست. در داستان‌پردازی‌های اولیه، اشخاص موجود در داستان به گونه‌ای

خلق و پردازش می‌شدند که گویی دارای شخصیتی کاملاً سفید و یا کاملاً سیاه هستند. درواقع با نظری اجمالی به آنان، می‌توان تمام تیپ‌های شخصیتی گذشته را ذیل دو گروه متشکل از تقابل‌های دوگانه نظیر خوب-بد، عادل-ظالم، قوی-ضعیف و نظایر آن دسته‌بندی کرد. حال آنکه مسئلهٔ جالب توجه دربارهٔ دو اثر *رابین‌هود* و *سمک عیار* آن است که شخصیت قهرمانان آن علی‌رغم قدمت، از جرگهٔ کلیشهٔ دیو-پری خارج است.

به دلیل وجود کلیشه‌های قالب ذهنی، معمولاً، انتظار مخاطب از قهرمان داستان، این است که فردی باشد تنومند، درشت‌هیکل، شکست‌ناپذیر، فاقد ضعف‌های معمول بشری، عاقل و غیراحساسی و درستکار و راست‌کردار. حال آنکه در داستان *رابین‌هود*، قهرمان در سیمای جوانکی:

۴-۵-۱-۱. **ضعیف‌الجثه:** «اوه، ببینید این جوانک چه می‌گوید. پسر هنوز دهانت بوی شیر می‌دهد اما از رقابت با مردان قدرتمند خوب لاف می‌زنی. تو به قدری ضعیفی که حتی چلهٔ کمان را هم نمی‌توانی بکشی» (اکبرلو، ۱۳۹۶: ۸)

۴-۵-۱-۲. **گاه بد دهن:** «مثل خر عرعر می‌کنی» (همان: ۱۴).

۴-۵-۱-۳. **خدعه‌گر:** «رابین به افرادش دستور داد همه لباس مبدل بپوشند. تعدادی لباس راهبان و کشیشان به تن کنند بقیه نیز لباس گداها و افراد فقیر را بپوشند و همه زیر لباسشان شمشیری پنهان کنند. رابین فریاد زد: دوستان من، از نقشه‌ام خوشتان آمد؟» (همان: ۲۰).

۴-۵-۱-۴. **مقلوب شونده:** «حمله‌های رابین به رقیبش سنگین بود اما غریبه آن‌ها را دفع کرد. سرانجام غریبه با نیروی زیادش رابین‌هود را بر زمین زد. رابین‌هود فریاد زد: کافی است، کافی است. تسلیم می‌شوم» (همان: ۴۵).

۴-۵-۱-۵. **شکست‌پذیر:** «امروز روز بدی برای ماست. فکر کنم دستم شکسته. جان کوچولو چشمکی زد و گفت اجازه بده بلندت کنم رئیس بزار گردوخاک لباس‌هایت را پاک‌کنم» (همان: ۴۶).

۴-۵-۱-۶. **خودخواه و قلدر مآب:** «رابین هشدار داد: جان کوچولو دیگر از این حرف‌ها نشنوم. جان کوچولو جواب داد مگر تو نبودی که به خاطر چاقی‌ام مرا اذیت می‌کردی؟ هود گفت: خیلی خوب. من دیگر در مورد این موضوع حرف نمی‌زنم تو هم داستان امروز را برای همیشه فراموش کن. جان کوچولو گفت: وقتی دوست جدیدمان آرتور مرا زمین زد خیلی لذت بردی. هود گفت: نفرین بر تو. گفتم دیگر در این باره حرف نزن» (همان: ۴۸).

۴-۵-۱-۷. طرار و غارت‌گر: «یکی از آن‌ها صندوق چوبی بود. چشم‌های رابین برق زد. می‌دانست داخل چنین جعبه‌ای حتماً جواهرات ارزشمند است» (همان: ۷۷) و

۴-۵-۱-۸. خودستا: «رابین گفت: فکر نمی‌کنی رابین‌هود از تو قوی‌تر باشد؟ او را خوب می‌شناسم. خیلی از اهالی اینجا فکر می‌کنند او از دلیرترین مردان است» (همان: ۸۵) به تصویر کشیده شده است که به‌تمامی با انتظار مخاطب و تفکر قالب ذهن او متفاوت است. اگرچه هود صفات مثبت دیگری نیز نظیر:

الف) شجاعت: «او از داروغه نمی‌ترسید. گفت: جواب‌های هوی است» (همان: ۲۰)،

ب) وجدان‌مداری: «یک‌بار مردی را کشتم و دیگر دوست ندارم چنین اتفاقی بیافتد، زیرا تحمل آن برای آدم بسیار سخت است» (همان: ۲۵)،

پ) مدد‌رسانی: «رابین گفت: بیا با ما غذا بخور و مشکل‌ت را به من بگو» (همان: ۵۵)،

ت) توانمندی و مهارت رهبری: «افراد رابین او را تشویق و به مهارت او افتخار کردند» (همان: ۷۹) و

ث) وفاداری: «رابین گفت: به‌سلامتی شاه ریچارد. امیدوارم تمامی دشمنانش از روی زمین پاک شوند همه نوشیدند و شاه تعجب کرد و گفت: فکر می‌کردم فقط برای سلامتی خودت دعا می‌کنی. رابین گفت: نه ما به شاه عزیزمان وفاداریم برایش جانمان را هم می‌دهیم» (همان: ۱۰۰) را دارا است. باین‌حال، در نتیجه امتزاج تمامی صفات مثبت و منفی نهادینه در وجودش، به‌سوزهای مدرن و شبه‌واقعی و به‌دور از کلیشه مبدل شده است.

۴-۵-۲. سمک عیار

مطالب پیش‌گفته به‌تمامی درباره‌ی سمک عیار نیز صدق می‌کند؛ چراکه او نیز چنان‌که در جملات آینده می‌بینیم جوانی است که شخصیتش در قالب کلیشه نمی‌گنجد؛ چراکه دارای خلق‌وخو و سجایا و صفاتی نه کاملاً سفید و نه کاملاً سیاه، بلکه خاکستری و باورپذیر و شبه‌واقعی نظیر انسان‌های امروزی است، با همان نقاط ضعف و قوت.

سمک نیز همچون رابین‌هود خصلت‌هایی از قبیل:

۴-۵-۲-۱. خشونت: «سمک با خود گفت: هیچ کاری بهتر از این نیست که همین‌جا دایه‌ی جادوگر را بکشم و دنیا را از شر جادوی او برهانم. بعید نیست که در بارگاه شاه به حيله‌ای از دستان بگریزد و دوباره به ما آسیب بزند. سپس کارتش را کشید و در سینه شروانه‌ی جادوگر فروبرد» (جوزدانی، ۱۳۹۸: ۹۲)،

۴-۲-۵. **غرور:** «سمک گفت: ای پست‌فطرت صید شیر را از او می‌دزدی؟ لابد ارباب ملعونت تو را برای این کار فرستاده. اگر کاری نکنم که شایسته شما دو تن باشد سمک نیستم» (همان: ۹۸)،

۴-۲-۵. **شکست و آسیب‌پذیری:** «سمک، زخم‌های بسیاری برداشت و خون بسیاری از او رفت. وقتی دید کار از کار گذشت و از عیاران دیگر کسی نمانده تسلیم شد و خود را در میان کشتگان بر زمین انداخت» (همان: ۱۰۶)،

۴-۲-۵. **طراری:** «با خود گفت: یافتم اینجا مال فراوان هست و همه آن نیز از آن دشمن است. از آن مهران که حرامزاده‌ای سگ‌صفت بیش نیست. در اطراف دکان گشت جایی را پیدا کرد و از آنجا به داخل دکان نقب زد سپس به داخل دکان رفت ده کیسه زر برداشت و به سرای مهرویه نباش برگشت» (همان: ۱۱۱)،

۴-۲-۵. **عجز:** «صدای پاسبانان می‌آمد که در چهارسوی زندان پاس می‌دادند. سگی نیز از گوشه بام زندان پارس می‌کرد. سمک درمانده با خود گفت: پاسبان‌ها را می‌توان از بین برد اما با آن سگ چه می‌توان کرد» (همان: ۱۱۵)،

۴-۲-۵. **فرمان‌نابرداری:** «سمک رو به شغال کرد و گفت: استاد هر چه بادا باد. من می‌روم و شیرافکن را از پا درمی‌آورم. شغال گفت: سمک می‌دانی که لشکریان او بسیارند و نجات ما به دست توست تنها به میان چنین لشکری رفتن بسیار دشوار است. سمک گفت: غم مخورید استاد باکم دلی و بیمناکی نمی‌توان عیاری کرد» (همان: ۱۲۴)،

۴-۲-۵. **دل‌باختن و عاشق شدن:** «کدام زنی این‌همه چالاک است که تویی؟ اکنون که رازت آشکار شده و من فهمیده‌ام که تو زنی اگرچه می‌دانم تو برای آن به هیئت مردان درآمده‌ای که زن نباشی و شوهری اختیار نکنی از تو می‌خواهم به همسری من درآیی» (همان: ۱۷۳)،

۴-۲-۵. **کوچکی جثه:** «فریاد آفرین مردم برخاست؛ زیرا سمک باندام کوچک و ریز خود رزمیار قوی و درشت‌هیکل را بر زمین افکنده بود» (همان: ۱۹۶)،

۴-۲-۵. **رشوه‌دهی:** «عیار باید زر بسیار خرج کند زیرا تا هنگامی که زر خرج نکند به مراد خویش نمی‌رسد. هر کاری که مردان عالم از انجام آن عاجزند با خرج کردن زر انجام می‌شود و این زر است که بسیاری از کارها را پیش می‌برد» (همان: ۲۰۱)،

- ۴-۵-۲-۱۰. پیروی از الهام و احساس: «سمک رو به آتشک گفت: برادر در این کار شتاب نکنیم. گویا امشب هنگام این کار نیست به دلم آمده که امشب نباید به آنجا برویم شاید مصلحت نباشد» (همان: ۲۴۵)
- ۴-۵-۲-۱۱. خراب کاری: «شغال به سمک گفت: بی شک این اتفاق نتیجه ندانم کاری توست» (همان: ۹۸) را دارا است.
- اگرچه او نیز واجد صفات حسنه‌ای همچون:
- الف) عطفوت: «استاد، شاهزاده را ناامید نکنید» (همان: ۶۸)،
- ب) ناموس پرستی: «ای دختر! خداوند را شاهد می‌گیری که مرا به برادری خود قبول کنی» (همان: ۹۷)،
- پ) قدرشناسی: «سمک گفت: جوانمردی کن و مرا از اینجا به سرای خود ببر و مداوا کن. وقتی خوب بشوم عوض نیکی تو را خواهم داد» (همان: ۱۰۸)،
- ت) محروم‌نوازی: «سمک گفت: خواهرم کیسه‌ای به کمر من بسته است. در آن صد دینار زر است. آن را بردار و خرج کن تا کمتر به زحمت افتید» (همان: ۱۱۰-۱۰۹)،
- ث) دلیری و تهور: «مهران از شنیدن نام سمک بر خود لرزید» (همان: ۱۱۸)،
- ج) ایثار و از خودگذشتگی: «سمک گفت: استاد، از جوانمردی به دور است که دیگران را در بلا رها کنیم و جان خود را نجات بدهیم» (همان: ۱۲۳)،
- چ) ایمان به خداوند و خیرخواهی‌اش: «سمک گفت: غم نخورید استاد! با کم دلی و بیمناکی نمی‌توان عیاری کرد. اگر خداوند بخواهد که من زنده بمانم، همه آدمیان این جهان هم نمی‌توانند برای کشتن من کاری از پیش ببرند» (همان: ۱۲۴)،
- ح) کمک به غیر: «سمک گفت: ای استاد! من عهد کرده‌ام که کاری را انجام دهم و بیش از این نمی‌توانم آن را به تأخیر بیاورم، زیرا دل آتشک در بند عشقی اسیر است. می‌خواهم او را به مرادش برسانم» (همان: ۱۷۵)
- خ) رازداری: «قبول می‌کنم و به یزدان سوگند می‌خورم که راز تو را به کسی نگویم و سر تو را برای کسی آشکار نکنم» (همان: ۲۲۳) است:
- با این حال نمی‌توان شخصیت او را کاملاً سفید و یا کاملاً سیاه دانست؛ بلکه به استناد نقل قول‌های موجود در متن بایسته است که وی را شخصیتی رئالیستی و شبیه شخصیت‌های قرن بیستمی به حساب آورد که به‌دوراز کلیشه دیو-پری و چنان شخصیتی واقعی نقاط ضعف، قوت و پیچیدگی‌های شخصیتی مختص به خود را دارا است.

۴-۶. تناظر فرجام دو داستان

فرجام رابین‌هود و سمک عیار به گونه‌ای رقم می‌خورد که قهرمانان هر دو داستان، علاوه بر دستیابی به اهداف معنوی خود در راستای تحقق عدالت به محبوبیت و منزلت اجتماعی نیز نایل می‌گردند. در ذیل عناوین پیش رو به فرجام هر اثر به طور مجزا پرداخته خواهد شد:

۴-۶-۱. رابین‌هود

نحوه مواجهه رابین‌هود و واکنش او نسبت به سیر اتفاقاتی که رفته‌رفته در طول داستان رخ داده و در صفحات پایانی آن و با ملاقات شاه ریچارد با رابین‌هود در لباس مبدل و به صورت ناشناس به اوج خود می‌رسد، همگی به نحوی حاکی از تحول شخصیتی تدریجی وی است. هود، پسر هجده‌ساله نوجوان، مغرور و گردنکش ابتدای داستان که سخنان حقارت‌آمیز مرد یک‌چشم را بر نمی‌تابد «رابین‌هود تیری به سمت مرد انداخت و فریاد زد: گفتی من کمانگیر نیستم، پس باز هم بگو. تیر مستقیم به قلب مرد خورد و او را نقش زمین کرد» (اکبرلو، ۱۳۹۶: ۱۰) در انتهای داستان در سیمای جوان خویش‌ن‌دار و فروتنی «رابین پاسخ داد: گوشم تا دم مرگ کر است، مگر برای شنیدن صدای اعلی‌حضرت» (همان: ۱۰۴) جلوه‌گر می‌شود که نه تنها گردنکش و متکبر و قانون‌گریز نیست بلکه مطیع اوامر شاه است و باقی عمر خویش را نیز زیر چشم قانون و برای اجرای قانون مصروف می‌دارد:

«شاه ریچارد گفت: به‌خاطر حرف‌هایی که کمی قبل در مورد وفاداری به من گفتم، من هم فقط چیزهای خوب را می‌شنوم. خطر گذشت. من تو و گروهت را آزاد می‌گذارم. می‌خواهم تو، جان کوچولو، ویل اسکارلت و آلن دیل جزو محافظان من باشید. بقیه هم در هنگ سواران سلطنتی خدمت خواهند کرد. آن‌ها محافظان آهوان ما در مقابل شکارچیان جنگل شروود خواهند بود. اکنون برای جشن آماده شوید. می‌خواهم ببینم شما چگونه در این جنگل زندگی می‌کنید». آن شب شاه ریچارد روی تختی از برگ سبز خوابید. صبح روز بعد، آن قانون‌شکنان مشهور همراه شاه به‌سوی شهر رفتند. روز بعد رابین‌هود، جان کوچولو و یا اسکارلت با دوستان قدیمی خود خداحافظی کردند. همدیگر را در آغوش کشیدند و برای هم دست تکان دادند و قول دادند باز هم به جنگل شروود برگردند. سپس سوار اسب شدند و با غرور رفتند تا به پادشاه خود خدمت کنند (اکبرلو، ۱۳۹۶: ۱۰۶-۱۰۴).

و بدین شرح، او که پیش‌تر با ایستادگی در مقابل ظلم و قانون نابرابر به غارت ستمگران و داد و دهش به ضعفا می‌پرداخت «رابین به اسقف هرفورد گفت: آن زنجیر طلایی دور گردنت را می‌خواهم به‌عنوان هدیه به این عروس زیبا بدهم. اسقف عصبانی شد و زنجیر را از گردنش باز کرد و به رابین داد». (همان: ۷۱) و به همین دلیل نیز به محبوب مظلومان بدل شده بود، بار دیگر نیز با سرسپردگی و تسلیم در برابر قانون و خدمت به پادشاه نه‌تنها خود را از عذاب

وجدان و زندگی به شیوه دزدان فراری رهایی داد بلکه به مأمور موردعلاقه شاه نیز مبدل شد و بدین گونه هم در نزد خلق و هم حاکمیت دارای محبوبیت و منزلت و شأن اجتماعی گردید.

۴-۶-۲. سمک عیار

در اثر سمک عیار نیز با پیشروی در سیر داستان و آشنایی هر چه بیشتر با خو و رفتار سمک، می‌توان مطمئن بود که از منظر خوانندگان اثر، عیاری، شب‌روی و دستبردهای گاه و بیگاه سمک نه تنها پدیده‌ای نکوهیده و مذموم نیست بلکه نماد دادخواهی و مبارزه با بیداد و قانون فسادزده نیز هست؛ چنان‌که از متن اصلی نیز مشخص است وی چنین گردنکشی‌هایی را علیه جبارانی همچون مهران و کانون و شروانه و مقوقر مرتکب شده و هم اوست که در برابر پادشاه عادل و منصفی چون خورشید شاه نه تنها همواره فروتن و خاشع بوده بلکه از فدا کردن جان خویش نیز ابایی نداشته است:

«خورشیدشاه چون سمک را دید برخاست. حاضران نیز همه برخاستند. خورشیدشاه، سمک را در آغوش گرفت و گفت: ای جوانمرد عالمیان و ای فخر عیاران و ای برادر عزیز! بارگاه من از حضور تو روشن شد و دل‌های ما از دیدن تو، خرم و خشنود. اکنون اگر جهان را نیز به تو بدهم در مقابل خدمتی که تو کرده‌ای هیچ نیست و ما هر چه داریم، از توست. خورشیدشاه می‌گفت و سمک تعظیم می‌کرد. سپس خورشیدشاه فرمان داد به شادی آمدن سمک مجلس بزمی برپا کنند (جوزدانی، ۱۳۹۸: ۲۶۳-۲۶۲)».

همین بصیرت، کاردانی، انصاف و موقعیت‌سنجی او نیز هست که نه تنها او را به نور چشم عامه مردم «فریاد آفرین از مردم برخاست؛ زیرا سمک باندام کوچک و ریز خود رزمیار قوی و درشت‌هیکل را بر زمین افکنده بود» (جوزدانی، ۱۳۹۸: ۱۹۶) بدل کرده بلکه موجب شده است تا وی در دربار شاهی نیز قرب و منزلت و عزتی خاص بیابد. در پایان، رابین‌هود مورد بخشش شاه قرار گرفته و به خدمتگزاری در دربار وی نائل شده است. سمک عیار نیز به شهرت و محبوبیت صدچندان دست می‌یابد.

۵. نتیجه‌گیری

می‌توان چنین نتیجه گرفت که روایتگران این دو داستان با سود جستن از به تصویر کشیدن حوادث پیرامونی زندگی قهرمانان این دو اثر یعنی هود و سمک، ضمن ارائه تلقی مثبت خود از زندگی به سبک قهرمانان این دو اثر که همانا عادلانه و شرافتمندانه زیستن است، هریک به طریقی نسبتاً مشابه، دنیای آرمانی خود را به تصویر می‌کشند. شخصیت‌های ساخته و پرداخته شده به قلم هردوی این راویان نه به صورت تقابل دوگانه و کلیشه‌ای سیاه‌وسفید یا خوب و بد و خیر و شر بلکه به شکل شخصیت‌های میانه و خاکستری نه چنان که در قرون وسطی متداول بوده است، نمود می‌یابند. رابین هود و سمک عیار چنان به تصویر کشیده شده‌اند که گویی به نمادی برای آرمان‌خواهی جوامع شرق و غرب بدل گشته و فارغ از توجه به هوای نفسانی و علایق و نیازمندی‌های خویش به برآوردن حاجات طبقه فرودست و نیازمند پرداخته و از این رهیافت حضور فعالانه‌ای در جوامع پیرامونی خود داشته‌اند. آنچه مسلم است، این است که در فرجام کار طبق کلیشه پیروزی حق بر باطل، رابین و سمک به مقام سرافرازی مادی و معنوی نائل گشته و فرصت آبرومندانه زیستن می‌یابند.

تحلیل تطبیقی دو اثر سمک‌عیار و رابین‌هود مشخص نمود که هرچند این داستان‌ها از دو فرهنگ متفاوت نشأت می‌گیرند، اما ارزش‌های اخلاقی و فولکلوریک مشترکی همچون عیاری، دادخواهی، نوع دوستی و عدالت‌خواهی در آن‌ها به شیوه‌ای مشابه بازنمایی شده است و حاکی از نگرش گفتمانی یکپارچه‌ای در این دو اثر فولکلوریک شرقی و غربی است. هر چند این مفاهیم در این دو اثر به شیوه‌های مختلفی بازنمایی شده‌اند مثلاً رابین هود بیشتر بر مبارزه علیه ظلم از طریق دزدی و بخشش تأکید دارد؛ در حالی که سمک عیار بر عدالت فردی و اجتماعی از طریق شجاعت و جوانمردی تمرکز می‌کند. تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در این دو اثر، نمایانگر بازتاب ارزش‌های مشابه و در عین حال متفاوت در فرهنگ‌های مختلف است.

تحلیل گفتمان‌ها و مضامین موجود در هر دو اثر نشان می‌دهد که دوگانه‌های برساخته شده میان فرهنگ شرق و غرب مانند فردگرایی، رقابت، مدرنیته و تأکید بر خود-محوری در فرهنگ غرب در مقابل جمع‌گرایی، خانواده-محوری، سنت‌گرایی در فرهنگ شرق جای تأمل بیشتر و پژوهش گسترده‌تر دارد.

منابع فارسی

- ابرامز، ام. اچ. (۱۳۸۶). فرهنگ‌واره/اصطلاحات ادبی، ترجمه سیامک بابایی، تهران: جنگل.
- پیل، هوارد. (۱۳۹۷). رابین‌هود، ترجمه: منوچهر اکبرلو، تهران: شهر قلم.
- جوزدانی، عذرا. (۱۳۸۶). قصه‌های شیرین سمک عیار، تهران: پیدایش.
- زارع، بابک. (۱۳۹۸). «آیا شخصیت رابین‌هود واقعیت داشته است؟». دانشنامه فرهنگی تاریخ ما. بازیابی از: <http://tarikhema.org/ancient//30867>
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۹۸). «بحثی در باب سبک‌شناسی سمک عیار»، تاریخ ادبیات، ۳ (۱)، ۲۰۸-۱۸۹.
- مظفری، سولماز، و قنواتی، فاطمه. (۱۳۹۷). «بررسی داستان رابین‌هود اثر کارلا امن بر اساس نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو»، دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی، تهران، ۵۸-۴۲.
- نوروزی، خورشید، و دلاور، پروانه. (۱۳۸۶). «تحلیل نوع ادبی سمک عیار»، زبان و ادبیات فارسی، ۳ (۹)، ۲۰۸-۱۸۹.

منابع انگلیسی

- Berger, Asa Arthur. (2016). *Applied Discourse Analysis: Popular Culture, Media, and Everyday Life*. Switzerland: Palgrave Macmillan, 2016.
- Claus, Peter. (2006) "Near and Far: The Advantages of studying Folklore as Discourse", In D. M. Muthukumaraswamy (ed.) *Folklore as Discourse*. India: National Folklore Support center. pp.3-14.
- Dissanayake, Wimal . "Forward", In Shi-Xu (ed.) *Discourse as Cultural Struggle*, Hong Kong: Hong Kong University Press, 2007. Pp.vii-ix
- Everett, S. (2016). "Transformation, Meaning making and identity creation through folklore tourism: The case of the Robin Hood Festival". *Journal of Heritage Tourism*, pp.50-67
- ¹ Shi-Xu, "Discourse Studies and Cultural Politics: An Introduction" In Shi-Xu (ed.) *Discourse as Cultural Struggle*, Hong Kong: Hong Kong University Press, 2007, p. 9, pp.3-17.
- Paonessa, J. (2020). "Robin Hoods: A Myth in Flux". *Outlaw Ballads*, accessed October 1, 2020. Retrived from: <http://www.carmichaeldigitalprojects.org/outlawballads/items/show/37>.
- Wood, C. (2014). *Robin Hood*. ResearchGate, pp17-27. Retrived from: https://www.researchgate.net/publication/269393715-Robin_Hood.